

نه آقای پزشکبان، مشکل نه آموزش که خود حکومت دینی است!  
سعید پیوندی

آقای پزشکبان در مصاحبه‌ها و خطابه‌های خود بحرانی که در جامعه در رابطه با پوشش اجباری زنان، سبک زندگی و یا مهاجرات جوانان وجود دارد را پی‌آمد آموزش بد و ناکارا قلمداد می‌کند. او در مصاحبه تلویزیونی 12 آذر 1403 در مورد لایحه حجاب می‌گوید "روش حل مسئله حجاب باید از مدرسه شروع شود... ما این‌ها را که دستمان بوده نتوانسته‌ایم آموزش دهیم". او چند روز پیشتر هم در گردهمایی سراسری مسئولین بسیج دانشجویی و طلاب بسیجی گفته بود که "آموزشی باید در دانشگاه‌ها و در مدارس به دانشجویها داده بشود که اگر این دانشجوی را حتی بزنی حاضر نباشد مملکت و آب و خاک خودش را ول بکند و بگوید من به خارج خواهم رفت بلکه بگوید من خواهم ماند و این مملکت را درست خواهم کرد" (ایرنا، 2 آذر 1403).

از زمان انتخابات ریاست جمهوری این چندمین بار است که آقای پزشکبان مشکل کنونی حکومت با زنان و جوانان را به روش یا آموزش بد فرو می‌کاهد. معنای این حرف رئیس جمهور در برخورد با یک پدیده اجتماعی فراگیر و بحران‌آفرین چیست؟ آیا او هم مانند کسانی که گشت ارشاد را به خیابان‌ها فرستادند و یا "لایحه حجاب" را سرهم کردند برداشتن حجاب و خواست آزادی پوشش را نوعی "تاهنجاری"، "انحراف اخلاقی" و یا "جرم" می‌دانند؟

می‌توان پذیرفت که آقای پزشکبان این حرف‌ها را از سر مهربانی و خیرخواهی و برای همدردی با نسل جوان به زبان می‌آورد. شاید هم او بجای واکاوی ریشه‌های اصلی این شکاف فرهنگی و بحران سیاسی ترجیح می‌دهد مسئول (پدر) مهربانی باشد که کاربرد روش‌های آمرانه‌ای برای نظارت و کنترل اجتماعی یا خشونت روزمره نهادهای رسمی را زیان‌بخش می‌داند (نتیجه این مخالفت برای جامعه مثبت است). به همین دلیل است که او حرفی درباره آزادی پوشش نمی‌زند و نقد خود را متوجه سویه کارکردی و اجرایی لایحه حجاب می‌کند.

مشکل اما، بر خلاف نظر ایشان، فقط روش‌ها، آموزش بد و ناکارا و یا کاربست نابجای خشونت علیه شهروندان زن و مرد در جامعه نیست. مشکل بنیادی از سال 1358 به این سو درک و نوع نگاه جمهوری اسلامی به جامعه و انسان امروزی، نادیده انگاشتن اصول بنیادی جامعه مدرن مانند برابری و آزادی شهروندی، کرامت انسانی و یا وجود رابطه یک‌سویه آسیب‌شناسانه حکومت دینی با شهروندان است؛

مشکل اصلی حکومتی است که نمی‌خواهد رابطه متکثر جامعه با دین، دینداری و یا بی‌دینی را به رسمیت بشناسد. انتخاب دین، سبک دینداری و رابطه با اصول دینی و معنویت اموری شخصی‌اند و حکومت حق دخالت در این حوزه را ندارد و در نتیجه نمی‌تواند اصل دینی مانند حجاب را که مربوط به یک خوانش از یک دین خاص می‌شود را به نام قانون به همه شهروندان یک کشور تحمیل کند.

مشکل اصلی نظام آموزشی است که یک دین حکومتی و مجموعه‌ای از مناسک دینی تهی شده از معنویت را به صورت آمرانه و بدون حق انتخاب به نسل جوان تحمیل می‌کند؛

مشکل اصلی حکومتی است که نمی‌خواهد شکست آشکار یکسان و خالص‌سازی فرهنگی در نظام آموزشی و در جامعه را در 4 دهه گذشته ببیند و بپذیرد؛

مشکل اصلی حکومتی است که با تحمیل یک خوانش از دین کشور را به امپراطوری ممنوعیت‌ها و تبعیض‌های سیستمی رنگارنگ (جنسیتی، دینی، اتنیک، جنسی...) تبدیل کرده است؛

مشکل اصلی قانون‌گذاری درباره حجاب در مجلسی است که در آن نمایندگان همه گروه‌های جامعه حضور ندارند چرا که نهاد انتصابی به نام شورای نگهبان حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن آزادانه را از شهروندان گرفته است؛

مشکل اصلی حکومتی است که به شهروندانش اجازه مخالفت با یک قانون ظالمانه را نمی‌دهد و برآن است تا برای فرونشاندن نافرمانی مدنی زنان همه امکانات اداری، امنیتی و نظامی کشور را به میدان آورد؛

مشکل اصلی قوه قضائیه است که به جای دفاع از عدالت و حقوق مردم به نهادی خودسر و ظالم برای دفاع از حکومت و سیاست‌های آن، سرکوب مخالفان و تحمیل ممنوعیت‌ها در حوزه حجاب تبدیل شده است؛

مشکل از بحران مشروعیت و فروپاشی اعتماد عمومی است که نظام دینی بخاطر مجموعه سیاست‌های ویرانگر، ناکارایی و پاسخگو نبودن درگیر آن است؛

مشکل اصلی کسانی هستند که به صورت ریاکارانه دین حکومتی را ابزار اقتدار سیاسی و سلطه بر جامعه کرده‌اند؛

مشکل اصلی حکومت دینی است که به جای معنویت و اخلاق وعده داده شده به ریاکاری مذهبی و فساد فراگیر میدان داده است؛

آقای رئیس جمهور، آموزش مقصر اصلی نیست، مشکل اصلی فلسفه حکومتی ناسازگار با زمانه و سبک و سیاق حکمرانی ناکارایی است که سرزمین کهن ما را به چنان ورطه سقوطی کشانده که فرار از کشور به اولین آرزوی بخش مهمی از جوانان آن تبدیل شده است...

کانال شخصی سعید پیوندی <https://t.me/paivandisaeed>